



Examining the Challenges of Peace in Afghanistan from the Perspective of Immanuel Kant's "Perpetual Peace" (2001-2021)

Saeed Attar ^{1*}

Sanaullah Mohsin ²

Received on: 23/07/2022

Accepted on: 22/12/2022

Abstract

Violence, war, and peace have existed since the earliest times when mankind began recording history. Therefore, how to create peace has always been one of the constant concerns of a group of social science thinkers. The country of Afghanistan has been involved in war for many decades. Consequently, peacemaking has been one of the long-standing aspirations of the Afghan people. By focusing on Kant's theory in the book "Eternal Peace," this article attempts to address the challenges faced by peacemaking in Afghanistan from 2001 to 2021 through the lens of Immanuel Kant's concept of eternal peace. Kant considered three specific conditions necessary for the establishment of peace. The findings of the article indicate that the electoral system's nature, tribal political culture, political parties' weakness, constitutional challenges, and the lack of separation of powers (Article 1) all contribute to the challenges in the relations between the Afghan government and other governments, including Pakistan, Iran and America (second article) and finally, the sometimes tense relations between Afghan immigrants in several countries including Pakistan, Iran, India, and European Union countries, and the repeated violation of their global citizen rights in these countries (third article), the peace-building process has failed in this country. Based on the nature of the research, this study is a case study conducted using the descriptive-analytical method and citing library data.

Keywords: Afghanistan, Immanuel Kant, Eternal Peace, Peacebuilding Challenges.

1*. Associate Professor, Department of Political Science, Yazd University, Yazd, Iran.

(Corresponding Author: s.attar@yazd.ac.ir)

2. Master's degree, Department of Political Science, International Relations, Yazd University, Yazd, Iran. (Email: sanaullahmohsin@gmail.com).



بررسی چالش‌های صلح در افغانستان از منظر صلح جاودان امانوئل کانت (۲۰۰۱-۲۰۲۱)

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۵/۰۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۰/۰۱

سعید عطار^{*۱}

ثناالله محسن^۲

چکیده

خشونت، جنگ و صلح از اولین زمان‌هایی که بشر تاریخ مکتوب دارد، وجود داشته است. از این رو، اینکه چگونه می‌توان صلح را ایجاد کرد، همواره یکی از دغدغه‌های دائمی دسته‌ای از اندیشمندان علوم اجتماعی بوده است. کشور افغانستان برای دهه‌های متمادی درگیر جنگ بوده و به همین دلیل، صلح‌سازی یکی از آرزوهای دیرینه مردم افغانستان بوده است. این مقاله سعی می‌کند با تمرکز بر نظریه کانت در کتاب «صلح جاودان»، به این پرسش پاسخ دهد که از منظر صلح جاودان امانوئل کانت، صلح‌سازی در افغانستان در بازه زمانی ۲۰۰۱-۲۰۲۱ با چه چالش‌هایی مواجه بوده است؟ کانت سه ماده قطعی را برای برقراری صلح ضروری می‌داند. یافته‌های مقاله نشان می‌دهد که به دلیل ماهیت نظام انتخاباتی، فرهنگ سیاسی قبیله‌ای، ضعف احزاب سیاسی، چالش‌های قانون اساسی و ضعف تفکیک قوا (ماده اول)، چالش‌های روابط دولت افغانستان با سایر دولت‌ها از جمله پاکستان، ایران و امریکا (ماده دوم) و در نهایت، روابط بعضاً پرتنش میان مهاجرین افغانستانی در کشورهای متعدد از جمله پاکستان، ایران، هند و کشورهای اتحادیه اروپا و نقض مکرر حقوق شهروند جهانی آن‌ها در این کشورها (ماده سوم)، فرآیند صلح‌سازی در این کشور با شکست مواجه شده است. این پژوهش بر اساس ماهیت تحقیق، مطالعه موردی است که با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی و با استناد به داده‌های کتابخانه‌ای انجام شده است.

واژگان کلیدی: افغانستان، امانوئل کانت، صلح جاودان، چالش‌های صلح‌سازی.

*۱. دانشیار علوم سیاسی دانشگاه یزد، یزد، ایران. (نویسنده مسئول: s.attar@yazd.ac.ir) (صفحه ۱۱۳-۱۴۲)

۲. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد روابط بین‌الملل دانشگاه یزد، یزد، ایران. (sanallahmohsin@gmail.com)

مقدمه

بر اساس تاریخ مکتوب، جنگ و نزاع یا وضعیت ناصح، همواره در میان جوامع بشری وجود داشته و از این‌رو، صلح‌سازی از دغدغه‌های همیشگی بشر بوده است. همین دغدغه دائم باعث شده تا پیدا کردن راه‌هایی برای صلح‌سازی، یکی از موضوعات رایج در میان رشته‌های مختلف علوم اجتماعی و انسانی باشد. افغانستان از جمله کشورهایی است که در طی دهه‌های گذشته، تلاش‌های اجتماعی و انسانی برای تحقق صلح انجام داده است. بعد از توافق‌نامه بن در سال ۲۰۰۱، تلاش‌های بسیاری باهدف جلوگیری از وقوع مجدد جنگ داخلی و ایجاد بسترهای سیاسی، اقتصادی و اجتماعی لازم برای برقراری صلح در افغانستان انجام شد. با این حال با گذشت بیش از ۲ دهه از انعقاد توافق‌نامه بن، فرآیند صلح‌سازی در افغانستان همچنان با چالش‌های بسیاری مواجه است. هدف این مقاله بررسی چالش‌های صلح‌سازی در افغانستان است. با توجه به همسایگی افغانستان با ایران و سرایت جغرافیایی نامنی در این کشور به کشورهای همسایه، شکست صلح‌سازی در افغانستان، پیامدهای زیادی برای کشور ما داشته و در آینده نیز خواهد داشت.

در میان متن‌های منتشرشده در مورد صلح‌سازی، کتاب «صلح جاودان» امانوئل کانت، یکی از کتب مرجع در مورد شرایط برقراری صلح محسوب می‌شود که با نگاهی جامع به مقوله صلح، شرایط ایجاد و پدیداری صلح را تشریح می‌کند. در این کتاب، شرایط سه‌گانه‌ای برای صلح تشریح شده که به نظر کانت باعث می‌شود تا صلح، ماندگار شود. با توجه به در دسترس نبودن متن هر دو متن لاتین و ترجمه‌شده کتاب صلح جاودان (چاپ سال ۱۳۸۰، بدون تجدید چاپ)، کتاب «درآمدی بر صلح جاودان کانت» نوشته کارل یاسپرس مدنظر قرار گرفته است. این کتاب، هم شامل بخش‌های مهم کتاب صلح جاودان کانت است و هم توسط یاسپرس مورد شرح و توصیف قرار گرفته که به نظر بسیاری، یکی از مشهورترین شارحان کانت و «اولین و آخرین کانت‌گرا» (Thornhill and Miron, 2022) محسوب می‌شود. نوشتار حاضر با تمرکز بر شرایط سه‌گانه کانت برای صلح جاودان، به این پرسش پاسخ می‌دهد که از منظر صلح جاودان امانوئل کانت، صلح‌سازی در افغانستان در بازه زمانی ۲۰۰۱ تا ۲۰۲۱ با چه چالش‌هایی مواجه بوده است؟ این پژوهش بر اساس ماهیت تحقیق، مطالعه موردی است که با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی و با استناد به داده‌های کتابخانه‌ای انجام شده است.

الف- مرور و پیشینه تحقیق

محققینی که در رابطه با چالش‌های صلح‌سازی در افغانستان مطلبی نگاشته‌اند از جمله حمیدی و دیگران (۱۴۰۰) در مقاله «آمریکا و استراتژی صلح‌سازی در افغانستان: از نئومحافظه‌کاری تا نئوهامیلتونیسیم» تأکید دارند که بعد از حادثه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ دولت آمریکا، کشورهای بی‌ثبات را به دلیل قرار داشتن در وضعیت ناصالح (ناامنی، خشونت و...) منبع اصلی تروریسم می‌دانستند. نویسندگان با طرح این پرسش که راهبرد صلح‌سازی آمریکا از دوران جرج بوش (پسر) تا دوران نئوهامیلتونیسیم^۱ به رهبری جو بایدن، در افغانستان چگونه بوده است، به مساله صلح‌سازی در افغانستان با نظر به دستگاه ادراکی - اِعمالی ایالات متحده آمریکا به منظور ایجاد یک کشور با صلح پایدار پرداخته‌اند؛ ادراکی که به دلیل تمرکز بر عوامل خارجی، جریان‌های داخلی در افغانستان را از مناسبات دورنگه داشته و توجهی به عوامل داخلی بروز وضعیت ناصالح در افغانستان نداشت و به همین دلیل، پروسه صلح این کشور با شکست مواجه شد. در واقع، این دسته از پژوهشگران عمدتاً توجه بیش از حد جامعه جهانی به عوامل خارجی را دلیل ناکامی فرآیند صلح‌سازی در افغانستان می‌دانند. چیگنی‌زاده و صحرایی (۱۳۹۴) در مقاله «صلح‌سازی در افغانستان: ۱۴ سال پس از توافقنامه بن» تلاش کرده‌اند تا به این دو سؤال پاسخ دهند که فرآیند صلح‌سازی در افغانستان با چه چالش‌ها و مسائلی مواجه بوده و چگونه می‌توان بر آن‌ها غلبه کرد؟ یافته‌های مقاله نشان می‌دهد که چالش‌های صلح‌سازی در افغانستان دارای ماهیت امنیتی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی بوده که برخی از آن‌ها، نشأت گرفته از توافقنامه بن است. به نظر نویسندگان، به منظور غلبه بر این چالش‌ها لازم است رهیافت‌های بین‌المللی در خصوص افغانستان بر اساس تجربیات به دست آمده در زمینه‌های مختلف و نیز واقعیات موجود در این کشور بازتعریف شده و رهیافت جدیدی متمرکز بر عوامل داخلی ایجادکننده منازعه اتخاذ شود.

رفیع و جامی (۱۳۹۳) در مقاله «چالش‌های صلح در افغانستان» می‌کوشند به این پرسش پاسخ دهند که چه عواملی، تحقق صلح و ثبات در افغانستان را با مشکل مواجه کرده است. نویسندگان با استفاده از نظریه واقع‌گرایی به عنوان چارچوب نظری مقاله به این نتیجه رسیده‌اند که مداخله رقابت‌آمیز دولت‌های خارجی و ترجیح منافع خود بر منافع و مصالح افغانستان و زمینه‌های اجتماعی -

1 . Hamiltonism

فرهنگی داخلی، از جمله مهم‌ترین موانع تحقق صلح در افغانستان در سال‌های ۲۰۰۱ تا ۲۱۳ بوده است.

همان‌طور که مشخص است، با وجود انتشار چندین مقاله در مورد مسئله صلح در افغانستان، در مورد چالش‌های صلح‌سازی در افغانستان از منظر یکی از مهم‌ترین اندیشمندان صلح یعنی امانوئل کانت هیچ مقاله فارسی یا انگلیسی نوشته نشده است. از این‌رو، در این مقاله با استفاده از نظریه کانت در کتاب صلح جاودان به بررسی چالش‌های صلح‌سازی در افغانستان می‌پردازیم.

ب- مبانی نظری و روش

۱- مبانی نظری: شرایط ایجاد صلح در نظریه امانوئل کانت

امانوئل کانت (۱۷۲۴-۱۸۰۴) فیلسوف سرشناس آلمانی است که در دوره حیاتش، شاهد وقوع جنگ‌های متعددی برای کشورگشایی بود. مهم‌ترین جنگ در طول حیات کانت، جنگ فرانسه و پروس بود که در نهایت به معاهده صلح سال ۱۷۹۵ منجر شد. کانت این صلح را مانند موارد پیشین، صرفاً یک آتش‌بس می‌دانست و به همین دلیل، تلاش فکری مستمری برای طرح‌ریزی نوعی صلح ماندگار داشت. کانت صلح را عالی‌ترین کنش سیاسی تلقی می‌کرد و برقراری صلح را مشروط به پایه‌گذاری قانون می‌دانست؛ قانونی که باید روابط میان مردم و میان آن‌ها و دولت‌ها را انتظام بخشد و آن‌ها را در مسیر صلح قرار دهد (سلطانی و زارع اشکذری، ۱۴۰۰: ۹). او پیش‌نویس کتاب خود را با عنوان پیمان صلح جاودان تدوین کرد. کانت کتاب «به سوی صلح جاودان» را در قالب دو بخش، دو تکمله و دو ضمیمه تدوین کرد. در بخش اول کتاب، به «ماده‌های مقدماتی»^۱ و در بخش دوم به «ماده‌های قطعی» صلح جاودان پرداخته شده است (یاسپرس، ۱۴۰۰: ۴۳). در واقع، هرچند وقوع جنگ‌های متعدد در اروپای قرن ۱۸ (جنگ میان دولت‌ها)، تجربه زیسته کانت بود که او را به سمت طرح

۱. بر اساس ماده‌های مقدماتی (یاسپرس، ۱۴۰۰: ۴۴-۴۵): «۱- هیچ پیمان صلحی، در صورتی که به‌طور سری متضمن موضوعی برای جنگ آینده باشد، نباید معتبر تلقی گردد؛ ۲- هیچ دولتی نباید به زور در نظام سیاسی و حکومت دولتی دیگر مداخله کند؛ ۳- هیچ دولتی نباید به خود اجازه خصومت‌هایی را بدهد که اعتماد متقابل در صلح آینده را ناممکن می‌سازد؛ ۴- هیچ دولتی (چه کوچک، چه بزرگ) نباید به دست دولتی دیگر از راه وراثت، تبادل، بیع و هدیه تصرف شود؛ ۵- ارتش دائمی باید به تدریج، سراسر منحل گردد؛ ۶- دولت نباید، در ارتباط با امور خارجی خود، استقراض کند.»

یک نظریه در مورد صلح سوق داد و اگرچه او پیش از آغاز عصر وابستگی‌های متقابل و بین‌المللی شدن وقایع ملی زندگی می‌کرد، اما نظریه او که عمدتاً در قالب ماده‌های قطعی صورت‌بندی شدند، طرحی از صلح در کامل‌ترین شکل آن بود که به عوامل درون یک کشور و میان کشورها بستگی داشت؛ بنابراین، آن‌چنان که در ادامه با تحلیل ماده‌های قطعی کانت در مورد صلح‌سازی مشخص خواهد شد، صلح در داخل کشور بدون صلح و همکاری در میان کشورها (دولت‌ها و ملت‌ها) پایدار نخواهد بود. از این‌رو، تمرکز این مقاله به ماده‌های قطعی سه‌گانه کانت در مورد صلح‌سازی است.

بر طبق ماده قطعی اول، «نظام حکومتی شهروندان هر کشوری باید جمهوری باشد». این ماده، آغاز صلح است. کانت بیان می‌کند که قانون اساسی جمهوری به شکل قانون اساسی مدنی تعریف می‌شود. در قانون اساسی جمهوری، آزادی مردم در انتخاب، پیش‌فرض لازم برای به کار بستن نیروی اجبار قانون است. کانت جمهوری را به شکل دولتی در نظر می‌گیرد که ریشه در حاکمیت قانون دارد و دولت جمهوری واقعی، دولتی است که به شکل نمایندگی اداره می‌شود. در نتیجه، حکومت جمهوری اساس حقوق مردم را حفظ می‌کند و توسط نمایندگان مردم حمایت می‌شود (سلطانی و زارع اشکذری، ۱۴۰۰: ۶۸).

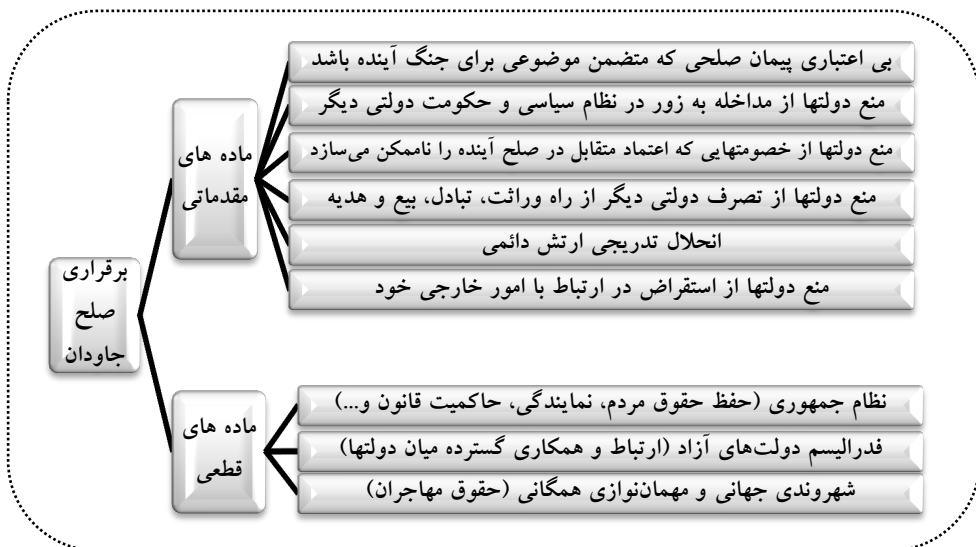
جمهوری شکلی از حکمرانی است که در مقابل انگاره نظام سلطنتی به کار می‌رود. جمهوری در تعبیری عام به معنی عدم سلطه یک فرد و مطلقه‌شدن قدرت است. یکی از مهم‌ترین خصوصیات جمهوری، حاکمیت قانون است. حاکمیت قانون ستون مشروعیت دولت است (Kamali, 2014: 20). به نظر کانت، خصوصیات مهم جمهوری عبارتند از: نظام جمهوری بر اساس «قانون اساسی مدنی» و حاکمیت قانون بنا می‌شود؛ اصل بر تفکیک قوا و وجود نظارت و توازن است؛ جمهوری بر مبنای دموکراسی نمایندگی - نه دموکراسی مستقیم - بنا می‌شود؛ و جمهوری باید بازتاب‌دهنده اراده عمومی و منافع عامه باشد (صدر، ۱۳۹۸: ۱۹). همان‌طور که مشخص است، کانت تعبیری را که در مورد نظام جمهوری به کار می‌برد، امروزه از آن به‌عنوان نظام دموکراتیک یاد می‌شود. کانت آن نوع از دموکراسی را که با تکیه بر اراده عمومی، جدایی نیروهای قانون‌گذاری، اجرایی و قضایی نادیده گرفته می‌شود، استبداد می‌خواند. نگاه کانت به دموکراسی بر پایه اصل نمایندگی و اصل تفکیک نیروها است (نوذری، ۱۳۹۷: ۲۲۱) و مهم‌ترین مفروضه آن این است که نیروهای قانون‌گذار، باید متخسانی از سوی مردم باشند و دخالت نکردن نیروهای اجرایی در نهاد قانون‌گذاری، اصل نظام جمهوری است (محمودی، ۱۳۸۲: ۳۰). هرچند کانت به برخی شاخص‌های نظام جمهوری (=دموکراسی) اشاره کرده

اما با توجه به تکامل نظام‌های دموکراتیک در دو قرن بعدی، امروزه درک ما از ویژگی‌ها و شاخص‌های این نظام وسیع‌تر از دوران کانت است. از این‌رو، آن‌چنان که در بخش بعد خواهیم دید، از شاخص‌های بیشتری برای سنجش میزان دموکراتیک بودن دولت افغانستان استفاده شده است.

بر طبق ماده قطعی دوم، «حقوق بین‌الملل باید بر پایه فدرالیسم دولت‌های آزاد بنا شود.» منظور کانت در ماده قطعی دوم از «فدرالیسم دولت‌های آزاد»، تشکیل سازوکارهایی داوطلبانه از انجمن‌های آزاد از کشورهای مستقل بود که هدف مشخص آن، پایان دائمی به جنگ باشد (سلطانی و زارع اشکذری، ۱۴۰۰: ۱۵۳). ماده دوم، نه خواهان ایجاد دولت جهانی یا حکومت جهان‌شمول، بلکه خواهان «فدرالیسم دولت‌های آزاد» در قلمرو حقوق بین‌الملل است (یاسپرس، ۱۴۰۰: ۴۸). کانت برای ایجاد صلح و امنیت جهانی، گسترش همکاری میان دولت‌ها و تشکیل جامعه ملل را پیشنهاد می‌کند (معظمی، ۱۳۸۸: ۱۴۱). کانت برای توضیح مفهوم «فدرالیسم دولت‌های آزاد» از «وضع طبیعی» بهره می‌گیرد. دولت‌ها در وضع طبیعی، خود را به شرایط یک جنگ پی‌درپی با دولت‌های دیگر می‌بندند. کانت باقی‌ماندن دولت‌ها در شرایط طبیعی، بی‌قانونی و تعارض منافع را منجر به جنگ می‌داند و راه‌حل را نیز در همکاری میان همه دولت‌ها در سطح جهان جستجو می‌کند (سادات میرمحمدی، ۱۳۹۰: ۱۲۴)؛ به عبارت دیگر، هرچقدر ارتباط میان دولت یک کشور با سایر دولت‌های کشورهای دیگر، بهتر و سطح همکاری میان آن‌ها، بیشتر باشد شرایط بهتری برای تحقق صلح جاودان فراهم می‌شود.

بر طبق ماده قطعی سوم، «حق شهروندی جهانی باید محدود به شرایط مهمان‌نوازی همگانی باشد.» ماده قطعی سوم «صلح جاودان»، بر حق شهروندان در پهنه جهانی متمرکز است. حقوق شهروندی جهانی، بر اساس یک وظیفه اخلاقی از لحاظ مهمان‌نوازی جهانی پدید می‌آید. منظور از حق مهمان‌نوازی جهانی بیش از اینکه پایان بخشیدن به ملل کنونی باشد، آزادی عبور و مرور افراد و در صورت لزوم، انتقال امورات آن‌ها در محدوده سرزمین‌هایی است که طرف معاهده هستند. طبق این اصل، برای خارجی مهاجر این حق، مسلم شناخته می‌شود که او به نحوی دوستانه، مهمان تلقی شود بدون اینکه ضرورتاً از تمام حقوق ملی شهروندان آن کشور بهره‌مند شود (سادات میرمحمدی، ۱۳۹۰: ۱۲۵). هرچند کانت در این ماده، با نگاهی جهان‌شمول به حقوق انسان‌ها فراتر از مرزهای ملی، به شهروند جهانی نظر دارد، اما با توجه به اینکه وی این اصل را یکی از سه ستون اصلی ماندگاری صلح می‌داند، می‌توان گفت که در دوران دولت ملت‌های مدرن، بهره‌مندی همه انسان‌ها به

خصوص خارجی‌های ساکن در یک کشور از حقوق اولیه و برقراری روابط صلح‌آمیز میان آن‌ها با مردمان محلی و دولت، از جمله شرایط لازم برای صلح‌سازی محسوب می‌شود. در شرایطی که مهاجرین ساکن در یک کشور، روابط صلح‌آمیزی با جامعه میزبان داشته باشند، این امکان فراهم می‌شود تا مردمان دو کشور و دولت‌های آن‌ها نیز بتوانند روابط صلح‌آمیزی میان دو کشور برقرار کنند و بدین طریق، فرآیند صلح‌سازی در داخل نیز تقویت شود. از این‌رو، تمرکز ماده قطعی سوم بر حقوق مهاجران است.



شکل شماره ۱- الگوی مفهومی نظریه صلح جاودان کانت

(منبع: نگارندگان)

در مجموع، همان‌طور که شکل بالا نشان می‌دهد، نظریه صلح جاودان کانت بر سه محور اصلی استوار است و در هر کشور، بسته به وضعیت هر کدام از این سه محور، میزان موفقیت در تحقق صلح در آن کشور متفاوت خواهد بود.

۲- روش تحقیق

روش این پژوهش بر اساس ماهیت تحقیق، مطالعه موردی است. این تحقیق از نظر معیار هدف و نتیجه، بنیادی بوده و تلاش شده با استفاده از روش تحلیلی، چالش‌های صلح‌سازی در افغانستان از

منظر صلح جاویدان امانوئل کانت مورد بررسی قرار گیرد. شیوه جمع‌آوری داده‌ها نیز به صورت کتابخانه‌ای است بدین صورت که پس از شناسایی منابع و مآخذ موردنیاز، فیش‌برداری صورت گرفته و اطلاعات لازم از این منابع اخذ می‌شود و بعد از دسته‌بندی و تجزیه و تحلیل داده‌ها، نتایج به صورت متن روایی در مقاله قید می‌شوند.

پ- تحلیل داده‌ها: چالش‌های صلح‌سازی در افغانستان

تحلیل صلح‌سازی در افغانستان از منظر کانت، مسیر تحلیلی سه‌گانه‌ای را فراهم می‌کند که با تمرکز بر آن‌ها می‌توان چالش‌های این کشور در مسیر صلح‌سازی را مورد بررسی قرار داد. بر اساس یافته‌های بخش نظری، چالش‌های صلح‌سازی در افغانستان عبارتند از: کارآمدی دموکراسی در افغانستان، ارتباط دولت افغانستان با سایر دولت‌ها و در نهایت، چگونگی روابط مهاجران افغانستانی با ملت‌های میزبان که به معنای میزان بهره‌مندی مهاجران افغانستانی از حقوقشان در سایر کشورهاست. این موارد را در بخش‌های بعدی مورد بررسی قرار خواهیم داد.

۱- چالش‌های برپایی نظام جمهوری در افغانستان

دموکراسی در افغانستان، پدیده‌ای متأخر و مربوط به سال‌های ۲۰۰۱ تا ۲۰۲۱ یعنی زمانی است که نظام جمهوری در این کشور مستقر بود. در دوره جمهوری، تلاش‌های زیادی برای استقرار و تحکیم نظام دموکراتیک در این کشور صورت گرفت اما آن‌چنان که در ادامه نشان خواهیم داد، این نظام با چالش‌های زیادی مواجه بود. برای فهم چالش‌های نظام جمهوری در افغانستان که به معنای چالش‌های ماده قطعی اول در نظریه صلح جاویدان کانت است، بهتر است تا تصویری از وضعیت شاخص‌های دموکراسی در این کشور ارائه کنیم. در واقع، با ترسیم وضعیت شاخص‌های دموکراسی و چالش‌های این نظام در افغانستان که در نهایت به سقوط نظام جمهوری در این کشور منجر شد، مشخص خواهد شد که ماده قطعی اول برای صلح در این کشور در چه وضعیتی قرار داشت.

۱-۱- وضعیت شاخص‌های دموکراسی در افغانستان

در گزارش‌های بین‌المللی در مورد وضعیت دموکراسی در کشورها، از شاخص‌های متعددی برای

سنجش دموکراسی استفاده می‌شود. یکی از واحدهای سنجش‌کننده دموکراسی که در بسیاری از مطالعات به یافته‌های آن استناد می‌شود، شاخص‌های دموکراسی موسسه اکونومیست است. در جدول زیر، وضعیت پنج شاخص موسسه اکونومیست در مورد دموکراسی یعنی روند انتخابات و کثرت‌گرایی، عملکرد دولت، مشارکت سیاسی، فرهنگ سیاسی و آزادی‌های مدنی در بازه زمانی مدنظر این مقاله در افغانستان مشخص شده است.

جدول شماره ۱- شاخص‌های دموکراسی در افغانستان (۲۰۰۶-۲۰۲۱)

سال	رتبه (از ۱۶۷)	امتیاز کلی (از ۱۰)	روند انتخابات و کثرت‌گرایی	عملکرد دولت	مشارکت سیاسی	فرهنگ سیاسی	آزادی‌های مدنی
۲۰۰۶	۱۳۵	۳.۰	۶.۱۷	-	۲.۲۲	۲.۵	۴.۴۱
۲۰۰۸	۱۳۸	۳.۰۵	۵.۱۷	۰.۷۹	۲.۲۲	۲.۵	۴.۴۱
۲۰۱۰	۱۵۰	۲.۴۸	۲.۵	۰.۷۹	۲.۷۸	۲.۵	۳.۸۲
۲۰۱۱	۱۵۲	۲.۴۸	۲.۵	۰.۷۹	۲.۷۸	۲.۵	۳.۸۲
۲۰۱۲	۱۵۲	۲.۱۸	۲.۵	۰.۷۹	۲.۷۸	۲.۵	۳.۸۲
۲۰۱۳	۱۵۴	۲.۴۸	۲.۵	۰.۷۹	۲.۷۸	۲.۵	۳.۸۲
۲۰۱۴	۱۵۱	۲.۷۷	۲.۵	۱.۱۴	۳.۸۹	۲.۵	۳.۸۲
۲۰۱۵	۱۴۷	۲.۷۷	۲.۵	۱.۱۴	۳.۸۹	۲.۵	۳.۸۲
۲۰۱۶	۱۴۹	۲.۵۵	۲.۵	۱.۱۴	۲.۷۸	۲.۵	۳.۸۲
۲۰۱۷	۱۴۹	۲.۵۵	۲.۵	۱.۱۴	۲.۷۸	۲.۵	۳.۸۲
۲۰۱۸	۱۴۳	۲.۹۷	۲.۹۲	۱.۱۴	۴.۴۴	۲.۵	۳.۸۲
۲۰۱۹	۱۴۱	۲.۸۵	۳.۴۲	۰.۶۴	۳.۸۹	۲.۵	۳.۸۲
۲۰۲۰	۱۳۹	۲.۸۵	۳.۴	۰.۶۴	۳.۸۹	۲.۵	۳.۸۲
۲۰۲۱	۱۶۷	۰.۳۲	۰	۰.۰۷	۰	۱.۲۵	۰.۲۹

(Source: The Economist, 2006-2021)

همان‌طور که جدول بالا نشان می‌دهد، با توجه به اینکه بهترین رتبه این کشور در تمام سالهای این دوره، ۱۳۵ (در میان ۱۶۷ کشور) بوده، شاخص‌های دموکراسی در افغانستان هیچ‌گاه در وضعیت مناسبی قرار نداشته است. علاوه بر این، وضعیت شاخص‌های دموکراسی در افغانستان با فراز و

نشیب، در تعداد کم‌تری از سال‌ها، اندکی بهتر و در بیشتر سال‌های این دوره، بدتر شده است. بدترین رتبه و امتیاز افغانستان، مربوط به سال ۲۰۲۱ است که نظام جمهوری در این کشور سقوط کرد. در مجموع، افغانستان در طول ۱۵ سال آخر نظام جمهوری (۲۰۰۶-۲۰۲۱) که اکونومیست شاخص دموکراسی در این کشور را بررسی کرده، به دلیل گرفتن امتیازی کمتر از ۵، در طبقه رژیم‌های استبدادی جای گرفته بود.

۱-۲-۱- برگزاری انتخابات‌های ریاست‌جمهوری و مجلس در افغانستان: روندها و مشکلات

عادلانه و منصفانه بودن انتخابات، طی چهار دوره انتخاباتی ریاست جمهوری به‌وضوح با شک و تردیدهای بسیاری همراه بوده است. تقلب‌های انتخاباتی، همواره یکی از مباحث چالش‌برانگیز آن سالها بوده که مشروعیت انتخابات و نظام را در افکار عمومی داخلی و جامعه بین‌المللی زیر سؤال می‌برد. در بخش زیر، به مهم‌ترین چالش‌های انتخاباتی افغانستان می‌پردازیم.

۱-۲-۱-۱- چالش‌های سیستمی

در تمام آن سالها، عدم ارتقاء ظرفیت کمیته مستقل انتخابات و تهیه منابع لازم برای آن از سوی حکومت و جامعه ملل، رأی قابل‌انتقال شهروندان و ایجاد لیست‌های جعلی از رأی‌دهندگان و نبود شناسنامه الکترونیکی از جمله چالش‌های بزرگ در روند انتخابات افغانستان محسوب می‌شد (شفایی، ۱۳۹۷). علاوه بر این، شکست و تعلل در پروسه کلان‌اصلاح نهادها از قبیل تطبیق برنامه خلع سلاح، اصلاحات پلیس و نظام قضایی از یک سو و تقلب‌های انتخاباتی از سوی نامزدهای انتخاباتی از سوی دیگر سبب شد تا نارضایتی مردم گسترش یابد و کارآمدی سازمانهای مسئول دولتی در انتخابات کاهش پیدا کند (<https://b2n.ir/s03154>).

۱-۲-۱-۲- انتخابات‌های ریاست‌جمهوری و مجلس

اولین انتخابات ریاست جمهوری افغانستان در ۹ اکتبر ۲۰۰۴ برگزار شد. نتایج این انتخابات نشان می‌داد که هیچ نامزدی برنده نهایی انتخابات نشده و رأی‌گیری از بسیاری جهات صرفاً تجلی دینامیسم‌های^۱ قومی بوده که دهه‌ها محرک سیاست افغانستان بوده است. از این رو، انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۰۴ بیشتر از شکلی از انجام یک تکلیف بیرونی و اجرای پروتکلی برای خوشایند

نیروهای خارجی بود تا یک انتخابات حقیقی (جانسون، ۱۳۹۷: ۱۴). انتخابات‌های بعدی نیز کم و بیش با بحران ماهیت مواجه بودند. در طول ۲۰ سال دوره جمهوری، انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۲۰۱۴ به‌عنوان اولین روند انتقال مسالمت‌آمیز قدرت در تاریخ این کشور تلقی می‌شد اما این انتخابات نیز با بحران مواجه بود. بحران انتخابات افغانستان پس از آن عمیق‌تر شد که حامیان یکی از نامزدهای ریاست‌جمهوری، نوارهای صوتی منتشر کردند که در آن، افرادی از درون حکومت با عبارتهایی مانند «گوسفندهای چاق‌شده» (<https://b2n.ir/g00562>)، تعداد زیادی از صندوق‌های رای را از پیش پُر کرده بودند. نتایج این انتخابات به تنش فزاینده میان ۲ کاندیدای اصلی یعنی اشرف غنی و عبدالله عبدالله منجر شد؛ تنشی که تنها با وساطت جامعه جهانی به رهبری جان کری وزیر امور خارجه وقت امریکا و ایجاد دولت وحدت ملی در چارچوبی خارج از قانون اساسی کاهش پیدا کرد.

در انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۱۹ نیز الگوهای رأی‌گیری غیرعادی همچنان برقرار بود و در بسیاری از موارد تقلب‌هایی بارزتر از انتخابات قبلی افغانستان اتفاق افتاد. این انتخابات همچنین منجر به ۲ پیروز اعلام‌شده، ۲ تحلیف و در نهایت توافقنامه تقسیم قدرت بین ۲ نامزد پیشرو شد که همگی نتایج بسیار غیرعادی برای یک انتخابات دموکراتیک بودند (Jahson, 2020). انتخابات مجلس افغانستان در سال‌های ۲۰۰۵، ۲۰۱۰ و ۲۰۱۸ نیز هیچ‌کدام نتوانستند مجلسی را که به‌اندازه کافی نماینده واقعی جامعه باشند و از مشروعیت بالایی در میان مردم برخوردار باشند ایجاد کند. در مجموع، انتخابات ریاست‌جمهوری، مجلس و شورای استانی که در ۲۰ سال دوره جمهوری در افغانستان برگزار شده بودند هیچ یک از مشروعیت بالایی در میان مردم برخوردار نبودند.

کانت، دولت جمهوری واقعی را دولتی می‌داند که به شکل نمایندگی بوده و به نمایندگی از طرف مردم در مورد امور آن‌ها تصمیم‌گیری می‌کند اما نظر به بررسی روند انتخابات افغانستان در ۲۰ سال دوره جمهوری، انتخابات با چالش‌های متعددی از جمله ناامنی، عدم شفافیت در نتایج انتخابات، روند ناسالم رأی‌گیری و نبود شناسنامه الکترونیکی رو به رو بود. از اینرو، نامزدهای پیروز انتخابات، کمتر نمایندگان واقعی مردم افغانستان بودند و در نتیجه، تصمیم‌گیری‌های آن‌ها از سوی مردم پذیرفته نمی‌شد و همین، منجر به عدم مشروعیت آن‌ها و سپس زیر سوال رفتن مشروعیت کل نظام سیاسی شد.

۱-۳- فرهنگ سیاسی قبیله‌ای

در افغانستان، فرهنگ سیاسی، ساختارهای سیاسی و اجتماعی از نوع سنتی، قبیله‌ای و بسته است

و اغلب افراد جامعه و حاکمان در کشور، به شدت رفتارهای قومی دارند. قوم‌گرایی در این سرزمین، پیشینه تاریخی دارد. تمام ویژگی‌هایی که درباره فرهنگ سیاسی سنتی-قبیله ای می‌توان برشمرد در فرهنگ سیاسی افغانستان صدق می‌کند. به همین دلیل، نگاه بیشتر شهروندان افغانستان به مسائل سیاسی، نگاه قومی است. فرهنگ سیاسی محدود و ساختارهای اجتماعی و سیاسی قومی و سنتی از چالش‌های اساسی توسعه، نوسازی و دموکراسی‌سازی در افغانستان بوده است (فرهمند و دیگران، ۱۳۹۹: ۳۰) که باعث تضعیف نظام جمهوری در این کشور شد.

۱-۴- احزاب سیاسی

احزاب در افغانستان به جای اینکه بیشتر به نفع دموکراسی باشند به ضرر دموکراسی فعالیت می‌کنند. تقریباً تمام احزاب افغانستان به جای اینکه ملی باشند، احزاب وابسته به اقوام هستند. پراکندگی قومی، محلی و فقدان توافق جمعی در رابطه با منافع ملی کشور، عواملی هستند که مانع از ظهور و رشد احزاب سیاسی ملی و فراقومی در افغانستان شدند. عمده این احزاب وابسته به فرماندهان مجاهدین بودند که توسط قدرت‌های خارجی حمایت می‌شدند و همین، به بیزاری مردم از احزاب سیاسی منجر شد. بعد از سال ۲۰۰۹، تشکیل حزب تا حدودی تقویت شد اما رشد فکری و سازمانی آن‌ها به حدی نبود که در آن‌ها ظرفیت سازمانی لازم برای جلب مشارکت شهروندان در پهنه ملی را ایجاد کند. در نتیجه، احزاب در افغانستان در دموکراتیزه کردن^۱ قدرت نقش مؤثری نداشتند (Katzman, 2015: 19).

۱-۵- قانون اساسی

در سال ۲۰۰۱ و طبق توافق‌نامه بن، طی فرمانی از سوی رئیس دولت انتقالی، یک گروه ۳۵ نفری با همکاری چند تن از متخصصان حقوق عمومی که از سوی سازمان ملل متحد و حکومت افغانستان استخدام شده بودند و در همکاری و مشورت نزدیک با برخی از اعضای شورای امنیت ملی و کابینه افغانستان به ریاست حامد کرزی بودند، مسئول تدوین قانون اساسی کشور شدند. نتیجه کار این گروه، قانونی اساسی‌ای بود که سه سال بعد (۲۰۰۴) به تصویب رسید (رحیمی، ۱۳۹۸: ۱۳۵-۱۳۲). در جریان تدوین و تصویب این قانون اساسی، هیچ بحث عمومی و فراگیری شکل نگرفت و عموم جامعه از محتوا و نتایج بندهای قانون اساسی جدید اطلاعی نداشتند. سنگ بنای نظام جمهوری را

1 . Democratization

جمعی گذاشته بودند که تصور درستی از معنای نظام جمهوری و محتوای آن نداشتند.

۱-۶- تفکیک قوا

علیرغم ضعف‌های اساسی در تدوین و تصویب قانون اساسی جدید، ایجاد نظم جدید قانون اساسی فرصت مهمی برای حرکت به سوی دموکراسی و حاکمیت قانون به وجود آورد. قانون اساسی سال ۲۰۰۴ چارچوبی را برای تفکیک قوا بین قوای مجریه، مقننه و قضاییه وضع کرد. این سه شاخه قرار بود به عنوان کنترل و تعادل بر روی یکدیگر عمل کنند اما تحولات بعدی نشان داد که اصل توازن میان قوای سه‌گانه دولت، هم از لحاظ چارچوب‌های قانونی و هم از لحاظ عملکرد افراد مسئول، دچار مشکلات زیادی است. عدم توازن میان قوای دولت و ظرفیت پائین همکاری میان سیاستمداران در نهایت باعث عدم همکاری مجلس و حکومت، تضعیف استقلال قوه قضاییه و تمرکز تصمیم‌گیری در قوه مجریه به خصوص در شخص رئیس‌جمهور شد (نشاط و دیگران، ۱۳۹۸: ۴۰).

۱-۶-۱- قوه مجریه

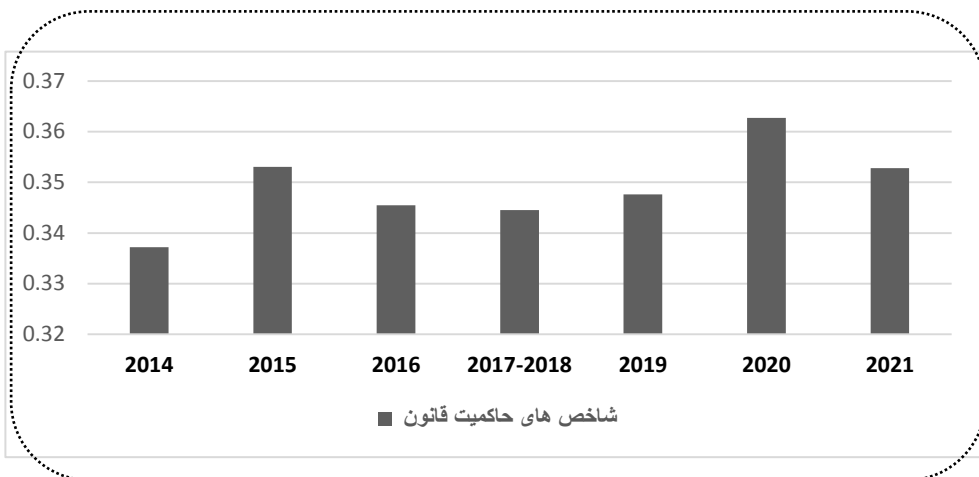
بر طبق قانون اساسی، قوه مجریه، قوانین وضع شده از سوی قوه مقننه و تفسیر شده از جانب قوه قضاییه را اجرا و از آن پشتیبانی می‌کند. رئیس‌جمهور در رأس قوه مجریه قرار دارد که با رأی مستقیم مردم و برای دوره زمانی ثابت انتخاب می‌شود. با این حال، بخش‌های دیگری از همین قانون اساسی، تفکیک قوا را مخدوش می‌کرد. به عنوان مثال، یکی از صلاحیت‌های که به رئیس‌جمهوری در ماده ۶۴ قانون اساسی داده شده و باعث عدم تفکیک قوا در نظام جمهوری افغانستان شد عبارت بود از صلاحیت تعیین رئیس و اعضای دادگاه عالی که این صلاحیت‌ها باعث شد قوه قضاییه، به طور مستقیم در دست قوه مجریه باشد (کاکر و دیگران، ۱۳۹۸: ۲۱-۲۲). همچنین، قانون اساسی به رئیس‌جمهور حق می‌داد تا افراد و شخصیت‌های مدنظر خود (=وابسته به خود) را برای این مناصب انتخاب کند. تصمیمات یک‌جانبه دادگاه عالی در چندین مورد به نفع حکومت، به وضوح بیانگر این مسئله در افغانستان بود که قوه مجریه بیش از آنچه در یک نظام دموکراتیک وجود دارد، دارای قدرت است (رحیمی، ۱۳۹۸: ۱۵۷-۱۵۸). این اصول که عمدتاً از الگوی آمریکایی اخذ شده بودند در جامعه‌ای مانند افغانستان به گسترش فساد و سیستماتیک شدن آن منجر شدند. افغانستان یعنی از نمونه‌های متأخر شکست در تجربه این قاعده است که قانون اساسی باید با بسترهای اجتماعی و فرهنگی کشور تطابق نسبی داشته باشد.

۱-۶-۲- قوه مقننه (مجلس)

قوه مقننه به عنوان بالاترین ارگان قانون‌گذاری، اراده مردم را آشکار می‌کند. اختیارات مجلس شامل تصویب و لغو قوانین، تصویب بودجه دولتی، تأیید برنامه‌های توسعه، تصویب معاهدات و موافقت‌نامه‌های بین‌المللی و تصویب یا رد انتصابات در سطوح عالی بود (Canas, 2011: 8). گرچه افغانستان دارای تجربه دیرینه‌ای در داشتن مجلس‌های سنتی بود اما این کشور هیچ تجربه انباشته‌ای در استقرار مجلسی مدرن بر مبنای تفکیک قوا نداشت. در نظام سنتی افغانستان، رهبران قومی می‌توانستند در شوراهای سنتی حضور داشته باشند و همین وابستگی آن‌ها به جامعه محلی، موانع مهمی برای استفاده آن‌ها از جایگاه خود برای تأمین منافع‌شان ایجاد می‌کرد. در فقدان بندهای سنتی و نبود احزاب مدرن، پارلمان مدرن افغانستان به محلی برای تأمین منافع خصوصی با استفاده از مناصب عمومی تبدیل شد و قانون اساسی افغانستان، هیچ راهی برای تغییر این مسیر ایجاد نمی‌کرد. تعداد زیادی از اعضای مجلس در ۲۰ سال دوره جمهوری متهم به فساد و رفتارهای تبارگرایانه بودند و این موضوعات، مشروعیت این نهاد مدرن را به شدت تضعیف می‌کرد. تقلب‌های گسترده، فساد در گروه‌های انتخاباتی، اولویت معیار قومیت در گزینش‌های مرتبط با قوه مقننه، ناامنی و میزان پایین مشارکت مردم، قوه مقننه ضعیفی را به وجود آورده بود (فرهمند و دیگران، ۱۳۹۹: ۱۱۵).

۱-۶-۳- قوه قضاییه

قانون اساسی تصریح می‌کرد که قوه قضاییه «ارگان مستقل از دولت خواهد بود» و از دادگاه عالی، دادگاه‌های استیناف و دادگاه‌های بدوی تشکیل خواهد شد (Canas, 2011: 8). برخی از نقص‌های نهادی اصلی که به‌ویژه به دادگاه آسیب می‌رساند، مربوط به انتصاب‌های قضایی بود. رئیس‌جمهور نه تنها قضات دیوان عالی را منصوب می‌کرد بلکه از اختیار انحصاری برای انتخاب رئیس دادگاه عالی نیز برخوردار بود. هر ۲ رئیس‌جمهور افغانستان (کرزی و غنی) از این اهرم فشار بر دادگاه عالی برای تضمین قدرت خود به انحاء مختلف استفاده می‌کردند؛ از جمله با تمدید دوره ریاست‌جمهوری غنی در سال ۲۰۱۹ برخلاف قانون اساسی، آزادی مشکوک هزاران جنگجو طالبان در سال ۲۰۲۰ که محصول امتیازگیری غنی از آمریکایی‌ها برای اجابت خواسته‌شان بود. قوه مجریه همچنین با عدم اجرای مداوم تصمیمات نهایی دادگاه به ویژه در مقابل بازیگران مرتبط با سیاست، اعتبار قوه قضائیه را از بین برد (Hakimi, 2021: 1-6).



نمودار شماره ۱- وضعیت شاخص‌های حاکمیت قانون در افغانستان

Source: <https://worldjusticeproject.org/rule-of-law-index/global/2014-2021>

در نمودار شماره ۱، امتیاز ۱ نشان‌دهنده حاکمیت قانون قوی و امتیاز صفر نشان‌دهنده حاکمیت قانون ضعیف است. امتیاز کلی افغانستان در نمودار شماره ۱ نشان‌دهنده حاکمیت قانون ضعیف و مشکلات هم‌زمان ضعف نظام قضائی و تفکیک ناقص قوا در این کشور است. کانت، اساس نظام جمهوری را حاکمیت قانون و تفکیک قوا می‌داند و آن نوع نظام سیاسی را که نه متکی به اراده عمومی است و نه ظرفیت لازم برای تفکیک نیروهای قانون‌گذاری، اجرایی و قضایی دارد را استبداد می‌خواند. در قانون اساسی افغانستان تفکیک قوا به صورت نظری وجود داشت اما صلاحیت‌های اعطاشده به رئیس‌جمهور باعث عدم تفکیک قوا در عمل می‌شد. صلاحیت تعیین رئیس و اعضای دادگاه عالی به رئیس‌جمهور در محیطی مبتنی بر روابط قومی و شخصی باعث شد تا دادگاه‌ها نتوانند به صورت مستقل عمل کنند. در نتیجه ضعف شدید حاکمیت قانون در افغانستان، چالش‌های زیادی برای تثبیت و تحکیم نظام جمهوری افغانستان ایجاد شد. بخشی از فرآیند دست رفتن اعتبار نظام جمهوری در میان مردم افغانستان به دلیل ضعف شدید حاکمیت قانون در این کشور بود.

۲- چالش‌های روابط دولت افغانستان با سایر دولت‌ها

افغانستان در ۲۰ سال دوره نظام جمهوری نه توانست با مشارکت مؤثر در سازمان‌های بین‌المللی، در مناسبات جهانی حضور داشته باشد و نه توانست با دولت‌های منطقه و جهان روابط مسالمت‌آمیز

پایداری برقرار کند. به دلیل اینکه توصیف وضعیت روابط خارجی دولت افغانستان با تمام دولت‌های منطقه و فرامنطقه، بحثی طولانی خواهد بود، در این قسمت تنها به چند نمونه مهم‌تر برای کشور افغانستان می‌پردازیم که به نوعی، نشان‌دهنده وضعیت عمومی روابط خارجی این کشور با دنیای خارج است.

۱-۲- چالش‌های روابط افغانستان و پاکستان

دهه‌هاست که افغانستان برای حفظ منافع ملی‌اش دائماً با پاکستان نزاع داشته است. در این سال‌ها تنها مشکلات مرزی بین افغانستان و پاکستان نبوده که روابط بین دو کشور را پرتنش کرده است. مشکلات دیگری نیز وجود داشته از جمله رقابت هند با پاکستان که عامل تنش‌زای روابط میان دو کشور بوده است (مظهری، ۲۰۱۸). پاکستان با وجود تغییر شرایط منطقه‌ای و بین‌المللی در طول دهه‌های گذشته، همواره افغانستان را حیات خلوت سیاسی و امنیتی خود تلقی کرده و خطر جدی نفوذ و حضور هند به‌عنوان اصلی‌ترین عامل تهدید موجودیت خود در این حیات خلوت را مدنظر داشته است (ابراهیم‌خانی، ۱۳۹۹). در اغلب دوره‌های نظام جمهوری، رابطه افغانستان با پاکستان پرتنش بوده است. از این رو، می‌توان گفت که دولت افغانستان نتوانست در طی ۲۰ سال جمهوری با دولت پاکستان که طولانی‌ترین مرز را دارد روابط صلح‌آمیزی داشته باشد (حکیمی، ۱۳۹۷).

۲-۲- چالش‌های روابط افغانستان و ایران

علیرغم تاریخ پرفراز و نشیب روابط افغانستان و ایران در طول ۲ قرن گذشته، افغانستان در طول سال‌های گذشته مسائل متعدد اختلافی با ایران داشته و این مسائل، چالش‌های جدی برای بهبود روابط دو کشور ایجاد کرده است. مهم‌ترین و پایدارترین چالش‌های این دو کشور عبارت‌اند از: مسائله حقابه رود هیرمند، بحران پناهندگان افغانستانی و تروریسم (اعظمی و دیگران، ۱۳۹۱: ۱۴۲). در این سه مسئله، مورد پناهندگان کمتر موجب تنش‌های مخرب میان دو کشور می‌شد اما مسئله آب با توجه به دوره‌های طولانی خشک‌سالی و تشدید تغییرات اقلیمی، همواره از مسائل پرتنش میان دو کشور در طول یک دهه اخیر بوده است. افغانستان و ایران تنها در قسمت رودخانه هلمند یک پیمان آب دارند که در سال ۱۳۵۱ میان موسی شفیق و امیرعباس هویدا، نخست‌وزیران وقت دو کشور به امضا رسیده بود و در قسمت هریرود، هیچ پیمان آبی میان دو کشور به امضا نرسیده است. علیرغم همراهی‌های کززی، اشرف غنی در مورد بحث مدیریت آب بارها مواضع سخت‌گیرانه و بعضاً باج‌گیرانه‌ای (انرژی در برابر آب) اتخاذ می‌کرد و همین، به تنش‌های میان دو کشور منجر می‌شد (خسروی و

رئیس‌پور، ۱۳۹۱: ۸۱-۸۶). در بحث تروریسم نیز با توجه به ضعف طالبان و حضور کمرنگ داعش در افغانستان دوره جمهوری، نگرانی‌های جدی امنیتی در میان مقامات ایران وجود نداشت.

۲-۳- چالش‌های روابط افغانستان و آمریکا

پس از ۱۱ سپتامبر، روابط افغانستان و آمریکا وارد فاز جدیدی شد. منافع مشترک دو کشور و تهدیدهای مشترک داخلی و منطقه‌ای سبب شد تا روابط دو کشور از وضعیت روابط قطع روابط به وضعیت روابط استراتژیک ارتقا پیدا کند. با این حال، روابط دو کشور به دلیل وقوع برخی اتفاقات، با چالش‌های زیادی مواجه بود. حملات هوایی و حملات شبانه نیروهای بین‌المللی، گشت زنی و جستجوی خانه‌ها بدون اجازه خانواده‌ها و مجوز قانونی از سوی حکومت افغانستان، واکنش‌های زیادی از سوی سران حکومت و مردم را در پی داشت. همچنین، این امر حس انتقام و نفرت را در میان خانواده‌های افغان در مناطق قبیله‌ای علیه نیروهای بین‌المللی افزایش می‌داد (Noormal, 2015: 18).

ایالات متحده با حملات هواییمای بدون سرنشین با تلفات انسانی بالا، سبب بی‌اعتمادی مردم به خصوص در مناطق روستایی به دولت افغانستان و حضور نیروهای نظامی خارجی شد و همین، یکی از دلایل ایجاد احساسات ضدآمریکایی در افغانستان بود. میزان تلفات انسانی ناشی از حمله هواییمای بی‌سرنشین آمریکایی تا سال ۲۰۱۴، در جدول شماره ۲ آمده است. برخی تخمین‌ها رقم واقعی این حملات را بسیار بیشتر از آمار رسمی می‌دانند (عثمانی و دیگران، ۱۴۰۱: ۲۳۷).

جدول شماره ۲- حملات هوایی آمریکا در نقاط مختلف افغانستان

حملات هواییمای بی‌سرنشین آمریکا				
شماره	محل	تعداد تلفات	سال	عملیات
۱	روستای ککرک، استان ارزگان	۸۱ نفر	۲۰۰۱	هواییمای بی‌سرنشین
۲	روستای سیا	۸۴ نفر	۲۰۰۱	هواییمای بی‌سرنشین
۳	شهرستان شندند، استان هرات	۵۷ نفر	۲۰۰۷	هواییمای بی‌سرنشین
۴	روستای گرنی، غرب افغانستان	۱۴۷ نفر	۲۰۰۹	هواییمای بی‌سرنشین
۵	استان خوست	۱ بزرگ قبیله	۲۰۱۲	با گلوله کشته شد
۶	استان زنی	۹ کودک	۲۰۱۴	هواییمای بی‌سرنشین

منبع: عثمانی و دیگران، ۱۴۰۱: ۲۰۷-۲۴۴

علاوه بر این، حملات ایالات متحده به نقاط مختلف افغانستان سبب شد مشروعیت حکومت افغانستان زیر سؤال برود و واکنش‌های دولت افغانستان باعث تیرگی روابط دو کشور شد (Behuria, 2019:130). در مجموع، چالش‌های زیادی در روابط آمریکا و افغانستان در دوره جمهوری وجود داشت که مهم‌ترین آن‌ها عبارت بودند از:

- تفاوت دیدگاه نسبت به حضور نیروهای بین‌المللی (آمریکایی) در افغانستان (مظاهری، ۱۴۰۰).
 - اختلاف در مورد چگونگی مبارزه علیه تروریسم (انستیتو مطالعات استراتژیک افغانستان، ۱۳۹۶: ۷).
 - اختلاف در مورد چگونگی هزینه‌کرد کمک‌ها (www.aiss.af.2017).
 - اختلاف در مورد چگونگی ایجاد و تقویت نهادهای امنیتی (www.aiss.af.2017).
 - اختلاف در مورد ایجاد ظرفیت‌های نهادی (انستیتو مطالعات استراتژیک افغانستان، ۱۳۹۶: ۷).
 - مذاکرات صلح با طالبان و آینده نظام سیاسی (Dostyar and Farahi, 2022).
- کانت همکاری میان دولت‌ها را برای ایجاد صلح ضروری می‌دانست؛ اما افغانستان نه تنها نتوانست با کشورهای منطقه روابط باثبات برقرار کند بلکه حتی با قدرتهای فرامنطقه‌ای از جمله آمریکا و اروپا نیز روابط پرفراز و نشیبی داشت؛ بنابراین، کشور افغانستان برای رسیدن به صلح نتوانست ماده دوم قطعی کانت را نیز محقق کند.

۳- روابط مردم افغانستان با کشورهای منطقه و جهان

ناامنی و بی‌ثباتی دولت در افغانستان، منجر به جابجایی و آوارگی گسترده مردم افغانستان و مهاجرت آن‌ها به کشورهای زیادی از جمله پاکستان، ایران، هند و کشورهای اروپایی شد. مهاجرین افغانستانی در دو دهه دوره جمهوری با مشکلات و گرفتاری‌های فزاینده‌ای در بیرون از مرزهای کشور مواجه بوده‌اند. در این قسمت، مهم‌ترین چالش‌های روابط مردم افغانستان با کشورهای منطقه و جهان را مورد بررسی قرار می‌دهیم.

۳-۱- مهاجرین در پاکستان

بیش از ۴ دهه است که پاکستان میزبان مهاجرین افغانستانی بوده است. اولین موج مهاجرین در سال ۱۹۷۹ وارد این کشور شدند و پس از آن، دو موج دیگر از مهاجران در سال‌های ۱۹۹۲ و ۲۰۰۱ صورت گرفت. اکثریت این مهاجرین افغانستانی در استان خیبر پختونخوا زندگی می‌کنند (Imtiaz

(and Attullah, 2022). آخرین پژوهش‌های میدانی انجام شده در مورد مهاجرین افغانستانی در پاکستان نشان می‌دهد که پناهندگان افغان در پاکستان با چالش‌های زیادی از جمله نبود آموزش، فقدان بهداشت، نبود سرپناهی برای زندگی، ممنوعیت خدمات بانکی و برخورد خشن پلیس و بخش‌هایی از جامعه محلی مواجه هستند و تنش‌های گاه به گاه و بعضاً خشونت‌آمیزی نیز با مردم محلی دارند (Javed et. al, 2020: 5-19).

۳-۲- مهاجرین در ایران

از هر ۹ پناهنده در سراسر جهان ۱ نفر از افغانستان است و ایران بعد از پاکستان از کشورهای اصلی میزبان این پناهندگان است (Naseh et. al, 2018: 1). با وجود اینکه در دوره مورد بررسی این مقاله، بسیاری از مهاجرین افغانستانی که فاقد مدرک اقامت و هویتی بودند، به اجبار یا به اختیار از این کشور اخراج شدند اما هنوز هم تعداد کثیری از آن‌ها به صورت غیرقانونی در ایران ساکن بوده (و هستند) و همین، مشکلات بسیاری را در رابطه میان آن‌ها و مردم محلی و دولت ایجاد کرده است. در چند سال آخر نظام جمهوری در افغانستان، ایران با همکاری کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل^۱ به تسهیل بازگرداندن داوطلبانه و عموماً اجباری افغانستانی‌ها ادامه داد. در سال ۲۰۰۲، در حالی که جنگ به رهبری ایالات متحده در افغانستان ادامه داشت، ایران توافقنامه سه جانبه را با افغانستان و کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل برای تسریع در بازگرداندن میلیون‌ها افغانستانی به کشور امضا کرد (Naseh et. al, 2018:3). با این حال و علیرغم برخی فرصت‌های آموزشی و شغلی برای افغانستانی‌های مقیم ایران، تنش‌های متعدد میان دولت و بخش‌هایی از جوامع محلی با این مهاجرین صورت گرفته که باعث شده تا با محرومیت آن‌ها از آنچه کانت حقوق شهروند جهانی می‌نامید، آن‌ها نتوانند به خوبی در جامعه محلی ادغام شوند. همین مشکلات باعث بروز بدگمانی‌هایی میان مردم ایران و مردم افغانستان نسبت به یکدیگر شده است.

۳-۳- مهاجرین در هند

بر اساس گزارش کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل متحد، روهینگیاها و افغان‌ها از بزرگ‌ترین گروه‌های پناهندگان در هند هستند. علیرغم وجود یک نظام دموکراتیک در هند، دولت این

1 . United Nations High Commissioner for Refugees (UNHCR)

کشور در مورد حقوق مهاجرین دیدگاه دموکراتیکی ندارد و افغانستانی‌ها را به‌عنوان پناهنده به رسمیت نمی‌شناسد. مهاجرین مقیم این کشور تنها توسط کمیسریای عالی پناهندگان سازمان ملل متحد به رسمیت شناخته‌شده و محافظت می‌شوند (Anushka, 2022: 54). دولت هند، کنوانسیون ۱۹۵۱ ژنو در مورد پناهندگان را که اساسی‌ترین منبع حقوق پناهندگان در سطح جهان به شمار می‌رود و نیز پروتکل ۱۹۶۷ که در مورد وضعیت پناهندگان است را امضا نکرده است. تنها قانون بین‌المللی که هند در امور پناهندگان مکلف به پیروی از آن است، اصل عدم برگشت اجباری بوده که آن نیز در بسیاری از مواقع نقض می‌شود. بر این اساس، این کشور در شاخص‌های جهانی مهاجرت و پذیرش مهاجران در درجه "D" (پایین‌ترین جایگاه) در سطح جهانی قرار دارد (شفقنا افغانستان، ۱۳۹۸). از این‌رو، جای تعجب نیست که مهاجرین افغانستانی در هند با چالش‌های زیادی از جمله نیازهای اولیه زندگی، کار، مسکن، آموزش و رویه نادرست مأمورین دفتر منطقه‌ای اتباع خارجی^۱ مواجه بوده‌اند.

۳-۴- مهاجرین در کشورهای اتحادیه اروپا

از ۲۰۰۳ تا ۲۰۱۶، مهاجرین افغان دومین گروه بزرگ مهاجرین در اروپا محسوب می‌شدند. بر طبق گفته مقامات تعدادی از دولت‌های اروپایی، مهاجرت افغان‌ها عمدتاً مهاجرت اقتصادی بوده است (AAN Team, 2016). روند رو به افزایش مهاجرت به اروپا در دهه ۲۰۱۰ باعث شد تا اتحادیه اروپا به خصوص بعد از سال ۲۰۱۶ درصد ایجاد محدودیت‌های متعدد برای پناهجویان افغانستانی باشد. این مسئله به افزایش تنش‌ها میان این اتحادیه و دولت افغانستان منجر شد به طوری که کشورهای اروپایی مکرراً تأکید می‌کردند در صورتی که دولت افغانستان پناهجویان اخراج شده را نپذیرد، آن‌ها کمک‌هایشان به افغانستان را قطع خواهند کرد. کشورهای اروپایی از جمله آلمان، بارها اعلام کردند که مهاجران افغانستانی را که به دلایل اقتصادی به اروپا مهاجرت کرده‌اند اخراج می‌کنند. در همین حال در سال ۲۰۱۶ اتحادیه اروپا با ترکیه توافق کرد که همکاری‌های اقتصادی‌اش را با این کشور افزایش خواهد داد، به شرط آنکه ترکیه مانع ورود پناهجویان (سوری و افغانستانی) به اروپا شود (<https://b2n.ir/h65043>) جدول شماره ۳ نشان می‌دهد که کشورهای اروپایی از سال ۲۰۰۳-۲۰۱۶، مجموعاً ۹۰۸۵ افغانستانی را اخراج کردند.

1 . Registration of Foreigners in India (FRRO)

جدول شماره ۳- آمار مهاجرین اخراج شده افغانستانی از اتحادیه اروپا

	2003-2009	2010	2011	2012	2013	2014	2015	2016	2017	مجموع کل
■ استرالیا	0	0	0	2	0	3	4	1		10
■ بلژیک	1	0	0	9	11	2	2	3		28
■ دانمارک	62	7	0	0	0	0	0	0	12	69
■ فنلاند	0	0	0	0	0	0	0	3	13	3
■ فرانسه	39	0	0	0	0	0	0	0		39
■ آلمان	224	0	0	0	0	0	1	34	72	259
■ اندونزیایی	1	0	0	0	0	0	0	0		1
■ هلند	71	0	6	78	61	14	2	0		232
■ نروژ	284	41	74	196	250	437	88	12		1,382
■ عمان	466	0	0	0	0	0	0	0		466
■ پرتغال	1	0	0	0	0	0	0	0		1
■ سوئد	4	0	0	5	74	94	26	26	10	229
■ سوئیس	1	0	0	0	0	0	0	0		1
■ بریتانیا	2,989	733	1,023	527	513	404	89	87		6,365
■ مجموع کل	4,143	781	1,103	817	909	954	212	166		9,085

Source: <https://returnandreintegration.iom.int/en/>

علاوه بر این، توافق‌نامه‌ای که در سال ۲۰۱۶ بین کشورهای آلمان، فنلاند، سوئد و دیگر کشورها امضا شد اجازه بازگشت داوطلبانه افغان‌ها به کشورشان (که عموماً با برخی اجبارها برای خروج همراه بود) را می‌دهد. اگرچه توافق‌نامه‌های اتحادیه اروپا و آلمان بیان می‌کنند که امضاکنندگان «بازگشت داوطلبانه» را در اولویت قرار می‌دهند، با این حال به شدت به گزینه «بازگشت غیرداوطلبانه» تأکید می‌کردند. فنلاند در ردیف اول برای بازگرداندن مهاجرین افغان به افغانستان بود. آلمان از ۲۰۱۶ تا ۲۰۱۹، نزدیک به هزار مهاجر افغان را از این کشور اخراج کرد. مجارستان در سال ۲۰۱۵ دومین کشور اروپایی با تعداد متقاضیان پناهندگی نزدیک به ۱۷۵ هزار نفر در سال بود که بیش از ۴۵ هزار نفر از آن‌ها، از کشور افغانستان بودند. این کشور نیز اقدامات سخت‌گیرانه‌ای را برای کاهش مهاجران انجام داد. در سپتامبر ۲۰۱۵، مجارستان مرز خود با کشور صربستان که بیشتر پناهجویان از آنجا وارد این کشور می‌شدند را بست و تنها دو مرز اصلی را بازگذاشت. سوئیس نیز با وجود اینکه دادگاه عالی

حکم داده بود که مهاجرین افغانستانی نمی‌توانند به‌طور غیرارادی به کشورشان بازگردانده شوند، اقدامات محدودکننده زیادی را در پیش گرفت. بر اساس گزارش رسانه‌های سوئیسی، در دسامبر ۲۰۱۶ یک خانواده افغان با سه فرزند کوچکش، توسط سوئیس اخراج شدند. این پیامی به سایر مهاجرین بود که اگر داوطلبانه افغانستان را انتخاب نکنند ناخواسته به افغانستان بازگردانده می‌شوند (Ruttig, 2017).

ترکیه همواره یک نقطه مهم در مسیر ترانزیت به اروپا برای مهاجران افغانستانی بوده است که تلاش می‌کردند از طریق مرزهای دریایی و زمینی خود به یونان و بلغارستان و در نهایت، به اتحادیه اروپا وارد شوند. با افزایش فشار اتحادیه اروپا در طول دهه ۲۰۱۰، دولت ترکیه تلاش می‌کرد در مقابل امتیازاتی که از این اتحادیه می‌گرفت برای جلوگیری از هجوم بیشتر مهاجرین با تمرکز بر تأمین امنیت مرزهای خود با ایران و توسل به تبعید دسته‌جمعی به کابل مانع از ورود افغانستانی‌ها به کشورهای اتحادیه اروپا شود. این در حالی بود که تحت عنوان «بازگشت داوطلبانه»، اغلب مهاجران تحت تعقیب قرار گرفته و بعد از ماه‌ها و بعضاً سال‌ها زندگی در اردوگاه‌ها، به اجبار به افغانستان فرستاده می‌شدند (Foschini, 2022). در مجموع، وضعیت سومین ماده قطعی صلح جاودان کانت که مربوط به صلح میان ملت‌ها (در قالب حقوق شهروندی جهانی) و مشخصاً میان مهاجرین افغانستانی و کشورهای میزبان آن‌هاست، نیز مشابه دو ماده دیگر مناسب نبوده است.

نتیجه‌گیری

صلح‌سازی یکی از آرزوهای دیرینه مردم افغانستان بوده است. نظر به نظریه امانوئل کانت که چارچوب اصلی این مقاله بود، تحقق صلح پایدار و جاودان در هر کشور، مستلزم وجود سه شرط یا ماده قطعی است؛ شروطی که آن‌چنان‌که این مقاله نشان داد، هیچ کدام در افغانستان دوران جمهوری وجود نداشتند. نخست اینکه تمام انتخابات از ریاست‌جمهوری گرفته تا انتخابات مجلس و شورای استانی در افغانستان، نه شفاف بودند و نه نشان‌دهنده اراده واقعی مردم افغانستان. نظام جمهوری در افغانستان، شکلی از نظام انتخاباتی را برقرار کرد که در آن، صرفاً دسته‌ای از نخبگان قومی می‌توانستند مناصب سیاسی را تصاحب کنند. حتی همین دموکراسی حداقلی نیز عموماً به نزاع‌های سیاسی و بعضاً نظامی منجر می‌شد. کانت، اساس نظام جمهوری را عدم دخالت نیروی اجرایی در قوه

قانون‌گذاری می‌دانست که این مورد نیز یکی از چالش‌های بزرگ نظام جمهوری افغانستان بود. همان‌طور که شاخص‌های دموکراسی موسسه اکونومیست نشان داد، افغانستان در طول ۲۰ سال دوره جمهوری نوعی نظام شبه‌استبدادی داشت. در نتیجه، ماده قطعی اول کانت، بستر لازم برای تحقق در افغانستان را پیدا نکرد و همین، به تغییرات سیاسی در افغانستان شکلی صوری و نه محتوایی می‌داد. در نتیجه، اولین پایه صلح در افغانستان غائب بود.

افغانستان نه تنها در پیاده‌سازی نظام جمهوری ناموفق بود بلکه در رابطه با برقراری صلح با همسایگان خود نیز موفق نبود. افغانستان در ۲۰ سال دوره جمهوری به ندرت توانست با کشورهای همسایه‌های خود روابط پایداری را برقرار کند. فقدان ظرفیت لازم برای برقراری روابط پایدار و به خصوص روابط در سطح استراتژیک و بلندمدت، پایه دوم صلح را نیز در این کشور تضعیف کرد. وضعیت رابطه مردم مهاجر با کشورهای میزبان‌شان نیز به شکلی بود که پایه سوم صلح مدنظر کانت را محقق نمی‌کرد. مردم افغانستان نه در داخل و در ذیل نظام جمهوری، صاحب حقوق تضمین‌شده‌ای بودند (ماده اول) و نه از حقوق اولیه مهاجران بهره‌ای می‌بردند (ماده سوم). همه این‌ها باعث شدند تا صلح به یکی از آرزوهای دست‌نیافتنی در افغانستان تبدیل شود؛ مسئله‌ای که با بازگشت مجدد طالبان به قدرت و تخریب حداقل‌های ایجاد شده توسط نظام جمهوری و در واقع، تخریب کامل اصول سه‌گانه کانت، تشدید شده است.

در نبود سه ستون اصلی صلح‌سازی در افغانستان، این کشور با حال و آینده مخاطره‌آمیزی مواجه شده است. اینکه برای صلح‌سازی در افغانستان چه باید کرد، پرسشی است که می‌توان در چارچوب نظریه صلح جاودان کانت، محورهای اصلی پاسخ را یافت. در شرایط کنونی (۱۴۰۲) که برقراری نوعی نظام جمهوری حتی متناسب با ظرفیت‌های بومی و تجربیات تاریخی این کشور نیز بعید به نظر می‌رسد، تمرکز بر اعطای بخشی از حقوق اجتماعی و سیاسی مردم به خصوص در مورد حقوق زنان و قومیت‌ها، می‌تواند در بلندمدت حدی از شرایط ماده قطعی اول کانت را محقق کند. اینکه تاکنون (۱۴۰۲) به رسمیت شناختن دولت طالبان و بهبود روابط این کشور با عمده کشورهای جهان، منوط به تحقق حقوق زنان و مشارکت همه اقوام در اداره جامعه بوده، نشان می‌دهد که دو ماده اول و دوم صلح جاودان کانت در افغانستان امروز به هم گره خورده‌اند. ماده سوم نیز تابع ملاحظات پیچیده ملی کشورهایی است که میزبان مهاجران افغانستانی بوده و هستند. اینکه چگونه می‌توان ستون‌های سه‌گانه صلح‌سازی را در افغانستان کنونی پیاده کرد، پرسش مهمی است که پژوهش‌های آینده باید به آن پاسخ دهند.

منابع

الف- منابع فارسی

- اعظمی، هادی؛ رنجکش، محمدجواد؛ جمال، سعید (۱۳۹۱)، «مهم‌ترین منابع تنش‌زا سیاسی - امنیتی در روابط ایران و افغانستان»، همایش ملی شهرهای مرزی و امنیت؛ چالش‌ها و رهیافت‌ها، ۳۰-۳۱ فروردین ۱۳۹۱، دانشگاه سیستان و بلوچستان.
- بارانی، محمد (۱۳۹۰)، «آراء و عقاید امانوئل کانت در زمینه حقوق بین‌الملل (فلسفه حقوق بین‌الملل امانوئل کانت)»، مطالعات بین‌المللی پلیس بهار، شماره ۵، صص ۱۴۷-۱۶۶.
- جانسون، توماس (۱۳۹۷)، *افسانه دموکراسی انتخاباتی افغانستان؛ بی‌نظمی‌های انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۱۴*، ترجمه جلیل پژواک، کابل: انتشارات انستیتو مطالعات استراتژیک افغانستان.
- چیکنی زاده، غلام‌علی؛ صحرايي، محمدرضا (۱۳۹۴)، «صلح‌سازی در افغانستان ۱۴ سال بعد از توافق نامه بن»، *فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست*، سال چهارم، شماره ۱۴، صص ۷۱-۱۰۱.
- حمیدی، سمیه؛ مزدخواه، احسان؛ زنگنه، پیمان (۱۴۰۰)، «آمریکا و استراتژی صلح‌سازی در افغانستان؛ از نئومحافظه‌کاری تا نئوهمیتونیسم»، *فصلنامه علمی مطالعات روابط بین‌الملل*، دوره ۱۴، شماره ۴، صص ۲۹-۵۹.
- خسروی، محمود؛ رئیس‌پور، کوهزاد (۱۳۹۱)، «هیرمند مهم‌ترین عامل زمینه‌ساز اختلاف میان ایران و افغانستان»، همایش ملی شهرهای مرزی و امنیت؛ چالش‌ها و رهیافت‌ها، ۳۰-۳۱ فروردین، دانشگاه سیستان و بلوچستان.
- رفیع، حسین؛ بختیاری جامی، محسن (۱۳۹۳)، «چالش‌های صلح در افغانستان»، *فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز*، دوره ۲۰، شماره ۸۸، صص ۳۳-۵۸.

- رحیمی، مجیب‌الرحمن (۱۳۹۸)، نقدی بر ساختار نظام در افغانستان تأثیر انتخاب نوعیت نظام بر تحکیم دموکراسی و مهار جنگ در کشورهای چندپارچه، کابل: انتشارات عازم.
- سادات میرمحمدی، معصومه (۱۳۹۰)، «مقایسه صلح پایدار در اندیشه انسان‌محور کانت و صلح عادلانه در اندیشه متفکران شیعی»، معرفت/دیان، سال ۲، شماره ۴، صص ۱۱۷-۱۴۶.
- سلطانی، فخرالدین؛ زارع اشکذری، مجتبی (۱۴۰۰)، کانت و قانون صلح: مطالعه‌ای بر فلسفه حقوق بین‌الملل و روابط بین‌الملل، تهران: انتشارات مجید.
- صدر، عمر (۱۳۹۷)، فرآیندهای صلح در افغانستان: دیدگاه مردم، ترجمه جلیل پژواک، کابل: انتشارات انستیتو مطالعات استراتژیک افغانستان.
- صدر، عمر (۱۳۹۹)، جمهوری و دشمنان آن: وضعیت جمهوری در افغانستان، ترجمه فهیمه ایثار و احمد حسین رسولی، کابل: انتشارات انستیتو مطالعات استراتژیک افغانستان.
- عثمانی، ضیاءالدین؛ نیاکوئی، سیدامیر؛ سیمبر، رضا (۱۴۰۱)، «عوامل ملی و بین‌المللی وقوع چالش‌های امنیتی در افغانستان (۲۰۲۱-۲۰۰۸)»، پژوهش‌نامه ایرانی سیاست بین‌الملل، سال ۱۰، شماره ۲، صص ۲۰۷-۲۴۴.
- فرهمند، نصیر احمد؛ رامیار، سید جواد؛ فقیری، سیدمحمد (۱۳۹۹)، موانع دموکراسی در افغانستان، هرات: انتشارات ستاره نقره‌ای.
- کاکر، کاوون؛ کریمر، توماس؛ رووفی، همایون (۱۳۹۸)، تکامل قوه اجرائیه در افغانستان: نگاهی به گذشته و سفارشات برای آینده، ترجمه سیدرضا کاظمی، کابل: واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان.

- محمودی، سیدعلی (۱۳۸۲)، «کانت: دموکراسی نمایندگی و نظام جمهوری»، *اطلاعات سیاسی و اقتصادی*، شماره ۳-۴، صص ۲۴-۳۵.
- معظمی، علی (۱۳۸۸)، «صلح پایدار و عاملیت سیاسی نزد کانت»، *فصلنامه تاملات فلسفی*، سال ۱، شماره ۳، صص ۱۳۱-۱۵۸.
- نشاط زلمی؛ محمد عرفانی؛ محمدی، عبدالاحد (۱۳۹۶) راه دشوار مردم‌سالاری در افغانستان: ارزیابی و نقد گفتمان ملی پیرامون نظام‌های سیاسی بدیل در افغانستان، کابل: انتشارات انستیتو مطالعات استراتژیک افغانستان.
- نوزدی، حسینعلی (۱۳۹۷)، «وجه دموکراتیک نظام سیاسی مطلوب در نظریه‌ی سیاسی امانوئل کانت و یورگن هابرماس»، *فصلنامه تخصصی علوم سیاسی*، سال ۴، شماره ۴۴، صص ۲۰۹-۲۳۵.
- یاسپرس، کارل (۱۴۰۰) *درآمدی بر صلح جاودان کانت*، ترجمه مهدی خلجی، امریکا، سانتا مونیکا کالیفرنیا: بنیاد تسلیمی.

ب- منابع انگلیسی

- Amiri, Mukhtar (2014), "Afghan election crisis: 'stuffed sheep' recordings suggest large-scale fraud", the Guardian, pp. 26-7.
- Anushka (2022), REFUGEE WATCH A South Asian Journal on Forced Migration Contemporary Wars and Politics of Dispossession: Afghanistan and Ukraine, *National University of Educational Planning and Administration (NUEPA)*, pp. 29-44.
- Behuria, Ashok; Yaqoob Ul Hassan & Sanya Saroha (2019), US-Taliban Talks for Afghan Peace: Complexities Galore, *Strategic Analysis*, Vol, 43, No. 2, pp. 126-137.

- Canas, Vitalino (2011), *Governance Challenges in Afghanistan*, NATO Parliamentary Assembly: <http://www.nato-pa.int>.
- Dostyar, Aref and Zmarai Farahi (2022), “Why the Afghan peace process failed, and what could come next?” Middle East Institute; Available online at: <https://www.mei.edu/publications/why-afghan-peace-process-failed-and-what-could-come-next>.
- Economist Intelligence Unit (2022), Democracy Index 2021, The China challenge, London: EIU: <https://www.eiu.com/n/campaigns/democracy-index-2021/>.
- Foschini, Fabrizio (2022), Refugees or Ghosts? Afghans in Turkey face growing uncertainty, AAN; <https://www.afghanistan-analysts.org/en/reports/migration/refugees-or-ghosts-afghans-in-turkey-face-growing-uncertainty/>.
- Hakimi, Mehdi J (2021), the Judiciary and the Rule of Law in Afghanistan, Published by the Bolch Judicial Institute at Duke University School of Law, *Judicature International*, Vol. 105, pp. 1-6.
- Imtiaz, Ayub and Shaista Attullah (2022), Barriers to Access Education for Afghan Refugees Study of in Khyber Pakhtunkhwa (KP), Pakistan, ADCP, pp. 1-45.
- Javed, Asif, Shehryar Khan, Rubab Syed and Vaqar Ahmad (2020), Socio-economic Inclusion of Afghan Refugees in Pakistan, *A publication of the Sustainable Development Policy Institute (SDPI)*, No. 1, pp. 1-3.
- Johnson, Thomas and Ronald j, barnhart (2020), An Examination of Afghanistan’s 2018 Wolesi Jirga Elections: Chaos, Confusion and Fraud, *Journal of Asian Security and International Affairs*, Vol. 7, issue 1, pp. 57-100.
- Kamali, Mohammad Hasim (2014), Afghanistan’s Constitution Ten Years On: What Are the Issues? Afghanistan Research and Evaluation Unit, *Issues Paper*, pp. 1-56.

- Katzman, Kenneth (2015), Afghanistan: Politics, Elections, and Government Performance, *Congressional Research Service Afghanistan: Politics, Elections, and Government Performance*, pp. 1-56.
- Naseh, Metra, Miriam Potochy, Paul H Stuart and Sara Pezeshk (2018), Repatriation of Afghan refugees from Iran: a shelter profile study, *Journal of International Humanitarian Action*, Vol. 3, No. 1, pp.24-48
- Noormal, Ahmad Naveed (2015), Conflict Analysis: Afghanistan Since 2001, Brandeis University Press, Massachusetts: Brandeis University.
- Ruttig, Thomas (2017), Afghan Exodus: Afghan asylum seekers in Europe (1) – the changing situation, AAN, pp 1-8.
- Thornhill, Chris and Ronny Miron (2022), "Karl Jaspers," in Edward N. Zalta (ed.), *The Stanford Encyclopedia of Philosophy*, Stanford University: Stanford.

پ-منابع اینترنتی

- انستیتو مطالعات استراتژیک افغانستان (۱۳۹۶)، «دومین دور نشست گفتگوی ملی پیرامون رابطه افغانستان با ایالات متحده آمریکا». کابل ۳۱ حمل (فروردین)؛ آخرین بروزرسانی در ۱۴۰۲/۰۳/۱۸:
https://www.aiss.af/assets/aiss_news/104a2d9b54dd97372f4bddf727979ec8.pdf.
- ابراهیم‌خانی، حسین (۱۳۹۹)، «روابط افغانستان و پاکستان، تاریخچه‌ای از سوءظن و تنش»، مرکز مطالعات سیاسی و بین‌المللی؛ آخرین بروزرسانی در ۱۴۰۲/۰۱/۱۴:
<https://www.ipis.ir/portal/newsview/597649/>
- «از یونان تا ترکیه؛ اوضاع ناگوار مهاجرین افغان و بی‌رحمی اروپا» (۱۳۹۵)، خبرگزاری تسنیم؛
آخرین بروزرسانی در ۱۴۰۱/۱۲/۱۶: <https://b2n.ir/h65043>

- حکیمی، جاوید (۱۳۹۷)، «افغانستان-پاکستان رابطه پرتنش در دوره اشرف غنی»، روزنامه ۸ صبح؛ آخرین بروزرسانی در ۱۴۰۱/۱۱/۹: <https://8am.media/afghanistan-pakistan-tensions-in-ashraf-ghani-era>
- شفایی، امان (۱۳۹۷)، «چالش‌های انتخابات پارلمانی و شورای ولسوالی‌ها در افغانستان»، موسسه مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران؛ آخرین بروزرسانی در ۱۴۰۲/۰۳/۱۰: <https://tisri.org/?id=fqew4hbs>
- مظهری، صابره (۲۰۱۸)، «نگاهی بر سیاست خارجی افغانستان در قبال پاکستان از ۲۰۱۴ تا ۲۰۱۸»، رنا پوهنتون ۲۰۱۸-۶-۲۸، آخرین بروزرسانی در ۱۴۰۲/۰۱/۲۸: <https://ru.edu.af/da/RanaMagazine/32/newsDetail>
- AAN Team (2016) The Brussels Conference on Afghanistan: Between aid and migration, web sit pape: <https://www.afghanistan-analysts.org/en/reports/international-engagement/the-brussels-conference-on-afghanistan-between-aid-and-migration/>.
- http://www.eiu.com/public/thankyou_download.aspx?activity=download&campaignid=DemocracyIndex12.
- http://www.eiu.com/public/thankyou_download.aspx?activity=download&campaignid=Democracy0814.
- http://www.eiu.com/public/thankyou_download.aspx?activity=download&campaignid=demo2010.
- <https://b2n.ir/s03154>
- <https://reliefweb.int/report/afghanistan/afghanistan-ngos-under-pressure-government-anti-corruption-drive>
- <https://wordjusticeproject.org/rule-of-law-index/globe/2014/2021>

- https://www.economist.com/media/pdf/DEMOCRACY_TABLE_2007_v3.pdf.
- https://www.eiu.com/public/thankyou_download.aspx?activity=download&campaignid=DemocracyIndex2011.
- https://www.eiu.com/public/thankyou_download.aspx?activity=download&campaignid=Democracy0115.
- https://www.eiu.com/public/thankyou_download.aspx?activity=download&campaignid=DemocracyIndex2015.
- https://www.eiu.com/public/thankyou_download.aspx?activity=download&campaignid=DemocracyIndex2016.
- https://www.eiu.com/public/thankyou_download.aspx?activity=download&campaignid=DemocracyIndex2017.
- https://www.eiu.com/public/thankyou_download.aspx?activity=download&campaignid=democracyindex2019.
- https://www.fundesa.org.gt/content/files/publicaciones/democracy-index-2020_indice_de_democracia_The_Econ.